



فهرست

6	مقدمه
10	فصل یکم : کلیات و مفاهیم
11	1- کلیات
11	1-1- پیشینه موضوع
12	2-1- پیشینه این پژوهش
13	3-1- بیان مسأله
14	4-1- اهمیت و ضرورت تحقیق
14	5-1- پرسش های اصلی و فرعی
15	6-1- روش تحقیق
15	2- مفاهیم
15	1-2- چیستی زبان
17	2-2- چیستی دین
21	3-2- زبان دین
22	4-2- زبان دین و زبان دینی

فصل دوم: تبیین نظریه علامه طباطبائی 6 در باب زبان قرآن Error! Bookmark not

defined.

1- ویژگی‌های قرآن از منظر علامه 6 **Error! Bookmark not defined.**

1-1 جهانی بودن قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-2 کامل بودن قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-3 همیشگی بودن قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-4 مستقل بودن قرآن در دلالت **Error! Bookmark not defined.**

1-5 وجود ظاهر و باطن در قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-6 وجود آیات محکم و متشابه در قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-7 وجود تأویل در قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-8 وجود ناسخ و منسوخ در قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-9 جری و انطباق در قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1-10 هدایت؛ هدف کلی نزول قرآن **Error! Bookmark not defined.**

2- تبیین نظریه علامه 6 **Error! Bookmark not defined.**

1-2 تأکید علامه 6 بر عرفی بودن زبان قرآن **Error! Bookmark not defined.**

2-2 شواهد عرفی بودن زبان قرآن از منظر علامه 6 **Error! Bookmark not**

defined.

3- تفاوت‌های زبان عرفی با زبان قرآن **Error! Bookmark not defined.**

1_ 3_ عدم کفایت فهم و قواعد عرفی در تفسیر قرآن Error! Bookmark not

defined.

2_ 3_ اشتمال قرآن بر حقایق فرامادی..... Error! Bookmark not defined.

3_ 3_ قرآن لفظی مثال قرآنی مجرد و بسیط..... Error! Bookmark not defined.

4_ 3_ وجود متشابهات در قرآن..... Error! Bookmark not defined.

5_ 3_ تأثیر تهذیب نفس و طهارت روح در درک حقیقت قرآن Error! Bookmark

not defined.

6_ 3_ تطابق واقعی قرآن با واقع و پرهیز از تسامحات عرفیه Error! Bookmark

not defined.

7_ 3_ تغایر برخی مصطلحات قرآنی با زبان عرف. Error! Bookmark not defined.

8_ 3_ فهم قرآن با قرآن..... Error! Bookmark not defined.

4_ نتیجه و محصل نظریه علامه 6..... Error! Bookmark not defined.

1_ 4_ وجوه پذیرش زبان عرفی..... Error! Bookmark not defined.

2_ 4_ مؤلفه‌های خاص بودن زبان قرآن..... Error! Bookmark not defined.

3_ 4_ زبان تألیفی قرآن..... Error! Bookmark not defined.

4_ 4_ زبان هدایت..... Error! Bookmark not defined.

5_ 4_ زبان فطرت..... Error! Bookmark not defined.

5- قابل جمع بودن زبان عرفی خاص با زبان هدایت، زبان فطرت و زبان ترکیبی **Error!**

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. نتیجه

فصل سوم: مروری بر نظریه های مهم در باب زبان دین در سیاق نظریه علامه 6**Error!**

Bookmark not defined.

1- بی معنایی گزاره های دینی **Error! Bookmark not defined.**

2-1 اصل تحقیق پذیری **Error! Bookmark not defined.**

3-1 اصل ابطال پذیری **Error! Bookmark not defined.**

4-1 اشکالات اساسی رویکرد پوزیتیویسم منطقی. **Error! Bookmark not defined.**

5-1 پاسخ علامه 6 به پوزیتیویست ها **Error! Bookmark not defined.**

2- معرفت بخشی گزاره های دینی **Error! Bookmark not defined.**

3- مروری بر نگرش های غیر معرفت بخش **Error! Bookmark not defined.**

3-1 بازی های زبانی **Error! Bookmark not defined.**

3-2 زبان ابراز احساسات **Error! Bookmark not defined.**

3-3 زبان اسطوره **Error! Bookmark not defined.**

3-4 زبان نمادین دینی **Error! Bookmark not defined.**

4- نگرش های معرفت بخش **Error! Bookmark not defined.**

1_4_ زبان تمثیلی.....Error! Bookmark not defined.

2_4_ دیدگاه سلبی.....Error! Bookmark not defined.

3_4_ رمزگرایی باطنیان و متصوفه.....Error! Bookmark not defined.

جمع بندی و نتیجه.....Error! Bookmark not defined.

منابع.....Error! Bookmark not defined.

چکیده

در این رساله زبان دین از منظر علامه طباطبائی⁶ با تأکید بر تفسیر المیزان مورد بررسی قرار گرفته است. علامه⁶ به این موضوع در هیچ یک از آثارش به صورت مستقل نپرداخته ولی مسائل زبان دین یا قرآن در آثارش پراکنده است. اوصاف مشترک بین خدا و انسان و این پرسش که آیا این اوصاف به همان معنایی که در انسان به کار می روند در مورد خداوند نیز به کار گرفته می شوند؟ یا معنایی دیگر دارند؟ سبب شکل گیری بحث زبان دین شده است. پاسخ علامه به این مشکل معناشناختی اشتراک معنوی میان این اوصاف است. تأکید علامه⁶ بر عرفی بودن زبان دین و حاکم بودن منطق محاوره عرفی از یک سو و اشاره به تفاوت

های زبان عرف و زبان قرآن از سوی دیگر، نگارنده را به این نتیجه رسانده که زبان دین یا قرآن از منظر علامه 6 زبان عرفی خاص است که به نحوی با نظریات زبان ترکیبی، هدایت، فطرت و زبان ویژه منافات ندارد و قابل جمع خواهد بود. در پایان نیز به نظریات مطرح در باب زبان دین مانند زبان نمادین زبان تمثیلی زبان رمزی و غیره به همراه نقد علامه 6 پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: زبان دین، زبان قرآن، زبان عرف خاص، علامه طباطبائی 6

مقدمه

یکی از مسائلی که در فلسفه دین مطرح می شود زبان دین است. ماهیت گزاره های دینی به ویژه شیوه پیام رسانی الهی، محور اصلی سخن، در مسأله زبان دین است. پرسش های گوناگونی در ذیل محور اصلی مطرح می شود؛ برخی از این پرسش ها عبارتند از: آیا گزاره های دینی معنا دارند یا بی معنا؟ آیا گزاره های دینی معرفت بخش اند؟ آیا زبان دین همان زبان عرف عقلاست یا عرف ویژه؟ آیا زبان دین زبان تمثیل و نماد و رمز است؟ آیا ظاهر گزاره های دینی مورد نظر خدا است یا ورای این ظاهر، معانی دیگری نیز مورد نظر هست؟

هر چند که خاستگاه پیدایش این مسأله، دنیای غرب و حاصل تفکر غربی است ولی پرسش هایی که در روند شکل گیری این موضوع پدید آمده و به آن پرداخته شده است، در بسیاری از مباحث کلامی، فلسفی و تفسیری موثر بوده است و نتایج بدست آمده در مبانی تفسیر قرآن و معرفت شناسی دینی دخیل است.

به نظر می رسد یک مشکل معناشناختی در صفات الهی سبب پیدایش بحث زبان دین شده است. این مشکل، ناظر به این مسأله است که ما اوصاف بسیاری را به خداوند نسبت می دهیم؛ برخی از این اوصاف اختصاص به خود او دارند ولی پاره ای از این اوصاف، مشترک بین انسان و خدا می باشند، مانند: سمع، بصر، علم، قدرت و امثال اینها. از سوی دیگر در باورهای دینی مسلم است که خداوند شبیه هیچ موجود دیگری نیست؛ (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) ولی ما معنای دیگری برای اوصاف خداوند غیر از معانی امکانی آن سراغ نداریم. بنابراین یک پرسش بنیادین به وجود می آید که آیا اوصاف خداوند به همان معنایی که ما برای مخلوق بکار

۱- سوره شوری (۴۲) آیه ۱۱.

می‌بریم به خداوند نسبت داده می‌شود یا معنای دیگری برای آن صفت‌ها وجود دارد؟ اگر به همان معنای امکانی، آن اوصاف را به خداوند نسبت دهیم مستلزم احتیاج و محدود بودن خواهد شد و اگر به معنای دیگری باشد باز این پرسش مطرح است که این معنا چیست؟ به دنبال این پرسش معناشناختی از محمول گزاره‌های دینی به ویژه اوصاف خداوند پرسش‌های دیگری که در ابتدا به آن اشاره شد مطرح گردید و به شکل‌گیری یکی از موضوعات مهم در حوزه فلسفه دین؛ یعنی زبان دین انجامید. نتایجی که از مجموع مباحث زبان دین حاصل می‌گردد، در فهم متون دینی به ویژه متون مقدس دخالت دارد. قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنا نیست و چون اساسی‌ترین منبع و حیانی مسلمانان به شمار می‌آید کانون توجه فیلسوفان و زبان‌دانان مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است. بنابراین ما از این پژوهش مباحث زبان دین را با تأکید بر قرآن به پیش می‌بریم که اگر زبان قرآن به عنوان سخن الهی معین گردد، تکلیف سایر گزاره‌های دینی نیز مشخص خواهد بود.

علامه طباطبائی⁶ بی‌شک یکی از اثرگذارترین دانشمندان معاصر در عرصه دین و فلسفه است. آراء او در حوزه فلسفه و تفسیر قرآن همواره مورد توجه دانش‌پژوهان فلسفه و علوم قرآنی بوده است و به اذعان بسیاری از اساتید حوزه و دانشگاه، ابعاد علمی این دانشمند بزرگ همچنان مخفی مانده و جای بحث و بررسی محققانه دارد. از آنجایی که وی یکی از مفسران بزرگ شیعه بی‌شمار می‌آید و تفسیر المیزان او مورد توجه و رجوع اهل علم و معرفت، است بررسی و شناخت مبانی تفسیری او و دیدگاه ایشان نسبت به مباحث زبان دین و ماهیت گزاره‌های دینی که نتایج آن در روشن شدن زبان قرآن تأثیر قطعی دارد، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین پژوهش حاضر، به اندازه توان و ظرفیت پژوهشگر به بررسی مسأله زبان دین

یا قرآن از منظر علامه طباطبائی 6 با تأکید بر تفسیر المیزان خواهد پرداخت و سعی خواهد شد از مباحث رایج در موضوع زبان دین به اندازه ضرورت استفاده کرده و بیشتر به نظریات علامه 6 پرداخته شود.

این پژوهش در سه فصل ارائه می شود؛ در فصل اول به توضیح و تبیین مفاهیم و کلیات موضوع مورد نظر خواهیم پرداخت مفاهیمی همچون؛ زبان، زبان دین، زبان قرآن و امثال آن در فصل دوم نظریه علامه طباطبائی 6 توضیح و تشریح می شود و در فصل سوم سایر نظریه‌ها در سیاق نظریه علامه 6 نقد و بررسی خواهند شد.

فصل یکم : کلیات و مفاهیم

1- کلیات

1-1- پیشینه موضوع

برخی از ابعاد زبان دین یا قرآن از همان سده‌های نخستین تاریخ اسلام مورد توجه و عنایت دانشمندان و دانش‌پژوهان بوده است. مثلاً جنبه‌های مربوط به فصاحت و بلاغت آیات قرآن کریم یا معجزه بودن متن قرآن از همان صدر اسلام، در میان صحابه و تابعین مورد بحث و نقد و نظر قرار گرفته است؛ این مطلب را به خوبی می‌توان در روایات معصومین: در مراجعه با پرسش‌های اصحاب در رابطه با قرآن و ویژگی‌های آن یا تفسیر آیات قرآن توسط اهل بیت: مشاهده کرد.

اما زبان دین به عنوان شاخه‌ای از فلسفه یا فلسفه دین از زبان‌شناس سوئیسی؛ یعنی فردینالد سوسور (1913 م) شروع شده است و پس از وی مسائل بیشتری به این موضوع افزوده شده تا به شکل کنونی رسیده است.

بی‌شک خاستگاه شکل‌گیری زبان دین، دنیای غرب است و متفکران غربی به مسائل مختلف زبان دین پرداخته‌اند؛ مسائلی همچون چگونگی نسبت دادن اوصافی که میان خالق و مخلوق مشترک است با توجه به محدودیت و متناهی بودن انسان و نامتناهی بودن خداوند و یا ارائه نظریاتی گوناگون درباره زبان دین.

دان استیور کتابی تحت عنوان «فلسفه زبان دین» نوشته است و متفکرانی همچون جان هیک، ایزوتسو، ویتگنشتاین، آکویناس، پل تیلیش و فلو به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به برخی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند.

از میان متفکران مسلمان نیز علامه طباطبائی، شهید مطهری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله خوئی و کسانی که در علوم قرآنی یا تفسیر پژوهش داشته‌اند، به برخی از مسائل این موضوع توجه داشته‌اند ولی به زبان دین به عنوان یک مسأله مستقل نپرداخته‌اند.

از میان نویسندگان معاصر، محمد باقر سعیدی روشن دو کتاب در این موضوع نوشته است: تحلیل قرآن و روش‌شناسی فهم آن و زبان قرآن و مسائل آن. آقای ابوالفضل ساجدی نیز کتاب زبان دین و قرآن را نگاشته است. یک کتاب هم به نام زبان دین توسط امیرعباس علی زمانی تألیف شده است. در اکثر کتبی که درباره فلسفه دین و کلام جدید نوشته شده این موضوع ذکر شده است.

دایره مقالات نوشته شده در این زمینه طبیعتاً وسیع‌تر است و مقالات بسیاری درباره زبان دین و زبان قرآن به نگارش درآمده است.

1-2- پیشینه این پژوهش

درباره ی زبان دین از منظر علامه طباطبائی 6 کتابی به صورت مستقل وجود ندارد، ولی چند مقاله با این عنوان در این زمینه نگاشته شده است که می توان به علامه طباطبائی و زبان قرآن نوشته ی رسول رسولی پور و معصومه سالاری راد، زبان قرآن از منظر علامه طباطبائی از محمدحسن قدردان قراملکی و زبان شناسی دین در نگاه المیزان نوشته محمد جواد عنایتی راد اشاره کرد.

به مقالات فوق انبوه مقالاتی را می توان اضافه کرد که درباره ی ابعاد گوناگون و مسایل ریز و درشت زبان دین یا قرآن به رشته ی تحریر در آمده است که ذکر همه ی آنها از حوصله نگارنده و ظرفیت این پژوهش فراتر است.

البته به این نکته نیز باید توجه کرد که مقالات فوق نظریه علامه را با تأکید بر تفسیر المیزان نوشته اند ولی ما در این تحقیق سعی کرده ایم نظریه علامه 6 را از تفسیر المیزان استخراج کنیم و منبع جستجوی این پژوهش بیشتر تفسیر المیزان بوده است، مضافاً اینکه در این مقالات به برخی موضوعات زبان قرآن از منظر علامه 6 پرداخته نشده است؛ مانند معرفت بخشی قرآن یا بحث معناداری گزاره های دین، که ما در این پژوهش به آنها پرداخته ایم.

1-3- بیان مسأله

همانطور که در مقدمه اشاره شد زبان دین از مسائلی است که در حوزه فلسفه دین مطرح شده است. مقصود از زبان دین این است که دین با چه زبانی با مردم سخن گفته است. روشن است که منظور ما از زبان دین، زبان عربی یا انگلیسی و امثال آن نیست بلکه مقصود، شیوه گفتار دین با بشر و ماهیت گزاره های دینی است. آیا گزاره های دینی نمادین اند؟ آیا به صورت تمثیلی بیان شده اند؟ آیا خداوند با بشر به همان شیوه عرفی و متداول میان بشر سخن گفته است؟ و پرسش های دیگری از این دست، که درباره آنها بحث خواهیم کرد. البته پرسش های دیگری نیز مطرح شده است؛ مثلاً پرسش از معناداری گزاره های دینی یا معرفت بخشی آنها و امثال آن، که در این تحقیق به آنها اشاره و پاسخ خواهیم داد.

نکته ای که باید به آن توجه کرد و در بیان مسأله مورد پژوهش ما در این تحقیق کمک می کند این است که زبان دین به بیان ماهیت گزاره های دینی و صفات آن می پردازد و از آنجا که گزاره های قرآنی، بخشی از گزاره های دینی است و اصلی ترین منبع دینی ما

مسلمانان است، بررسی ماهیت گزاره های قرآنی و صفات و ویژگی های آنها، تکلیف سایر گزاره های دینی را نیز معین می سازد. بنابراین در این پژوهش مقصود ما از زبان دین بررسی زبان اصلی دین اسلام؛ یعنی قرآن کریم است. البته از منظر علامه طباطبائی⁶ و با تأکید بر تفسیر المیزان به پرسش های مطرح در این باب پاسخ خواهیم گفت.

ضمناً باید به این نکته نیز توجه داشت که علامه طباطبائی⁶ به بحث زبان دین تحت این عنوان در هیچ یک از آثارش نپرداخته است و ما نظرات زبان شناختی ایشان را از لابه لای مباحث پراکنده ای که در آثار وی آمده، بویژه در تفسیر المیزانش استنباط کرده ایم.

1-4- اهمیت و ضرورت تحقیق

پس از فرض این مسأله که خداوند با بشر سخن گفته است، این پرسش ها مطرح می شود که آیا کلمات بکار رفته در متون دینی به همان معنایی که ما در عرف می شناسیم بکار رفته اند یا معنای دیگری دارند؟ نمود این پرسش ابتدا در مسائل الهیات و اسماء و صفات خدا بوده است، ولی رفته رفته به مسائل دیگر دینی و گزاره های دیگر کشیده شده است.

بررسی ویژگی ها و صفات گزاره های قرآن از حیث معنا شناختی، افزون بر اینکه ما می دانیم که قرآن معانی تودرتو و ذوبطونی دارد یا اینکه آیاتش محکم و متشابه دارد، تا حد زیادی می تواند به فهم صحیح ما از قرآن و گزاره های دینی کمک کند و ما را در فهم دین و کلام خدا یاری رساند.

1-5- پرسش های اصلی و فرعی

پرسش اصلی ما در این پژوهش، این است که زبان دین یا قرآن از منظر علامه طباطبائی⁶ چگونه زبانی است؟

پرسش های فرعی یکی پاسخ گویی به کلیات و مفاهیمی همچون زبان، زبان دین، زبان قرآن و... است و دیگری بررسی نظریه های گوناگون درباره زبان دین و موضع علامه 6 در قبال این نظریه هاست، نظریه هایی همچون، زبان تمثیلی، نمادین، اسطوره ای، بی معنایی گزاره های دین و....

1-6- روش تحقیق

روش عمده پژوهش ما روش تعقلی و منطقی و جستجو در متون اصلی دین به ویژه قرآن است. اندیشه، در زبان دینی با گزاره های قرآنی برخوردی عقلانی دارد و با استفاده از روش های عقلی و مطالعه متون دینی در تعیین ویژگی های گزاره های دینی و از جمله قرآن می کوشد.

زبان دین به مثابه یکی از زیر مجموعه های فلسفه دین، اغلب به روش عقلی تکیه دارد، اگر هم گاهی از سایر روش ها سود می برد ولی نتیجه گیری با تحلیل عقلی است.

2- مفاهیم

1-2- چیستی زبان

بی تردید زبان، یکی از ابعاد اسرارآمیز انسان است که فقدان آن، به معنای محروم ماندن از بسیاری از نعمات الهی است. این نعمت بزرگ الهی همواره مورد توجه دانشمندان و متفکران، در طول تاریخ بوده است. تا آنجا که در قرن بیستم فلسفه ای تحت عنوان «فلسفه تحلیل زبانی» شکل گرفت که محور اصلی این فلسفه را تحلیل زبان و تمرکز بر زبان شناسی تشکیل می داد.

زبان در معانی ذیل به کار رفته است:

- 1- به معنای اندام ماهیچه‌ای و متحرک، درون دهان و مهمترین ابزار گویائی.^۱
- 2- به معنای گفتار مخصوص یک ملت یا جماعت مثل زبان انگلیسی یا فارسی.^۲
- 3- به معنای یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد و ارتباط و انتقال پیام، که تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است.^۳
- 4- برخی نیز زبان را اینگونه تعریف کرده اند :

زبان دیگر واسطه شفاف و ساده انتقال فکر که زمانی مورد قبول بوده، نیست اکنون ترجیح می‌دهیم که زبان را با فکر یکسان بدانیم و به جای آن که از طریق آن به واقعیت بنگریم به خود زبان بنگریم و در تلاش برای فهم این مطلب باشیم که چگونه در ابتدا زبان را به دست می‌آوریم و سپس آن را به کار می‌گیریم^۴

در قرآن کریم نیز به سه معنای اول اشاره شده است؛ در سوره بلد آنجا که می‌فرماید: (وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ)^۵ مقصود، همان عضو گوشتی درون دهان است و در آیه (وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ)^۶ : معنای دوم؛ یعنی لغت و گویش یک قوم منظور شده است و به معنای سوم نیز این آیات اشاره دارند: (وَ أَخِي هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ)^۷، یا این آیه (وَ أَحْلَلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي)^۸ و آیه (عَلَّمَهُ الْبَيَانَ)^۱.

1- مشیری، مهشید، نخستین فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، چاپ 1، تهران؛ سروش، 1369، ص 5.

2- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران، 1373، ص 11130.

3- باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر، تهران؛ فرهنگ معاصر ایران، 1369، ص 112.

4 - استیور، دان، فلسفه زبان دینی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1384. تعریف از جان استروک

5- سوره بلد (90) آیه 9.

6- سوره ابراهیم (14) آیه 4.

7- سوره قصص (28) آیه 34.

8- سوره طه (20) آیه 27.

علامه طباطبائی⁶ می فرماید: بیان، آشکار نمودن یک چیز و غرض از آن همان اظهار ما فی الضمیر است و این از شگفت‌انگیزترین نعمت‌ها و تعلیم آن به انسان از عنایت‌های ویژه خدا به آدمی است^۲.

با توجه به معنای ذکر شده دربارهٔ زبان، به نظر می‌رسد آنچه با موضوع بحث ما ارتباط دارد؛ یعنی معنای مورد نظر ما در بحث زبان دین معنای سوم است، که همان توانایی موجود در انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال معانی و پیام‌ها که گفتار، نوشتار، تصویر و حتی حرکات دست و اشاره یا نگاه آدمی، می‌تواند ظهور و بروز این توانایی باشد.

از این رو زبان به این معنا، برای ساحت‌های گوناگون، مضاف واقع می‌شود تا معنای مورد نظر را برساند مانند، زبان هنر، زبان عشق، زبان فلسفه، زبان شعر و زبان دین یا قرآن.

2-2- چپستی دین

تفاوت‌های ذاتی و عرضی ادیان با یکدیگر و همچنین نوع رویکرد آنها نسبت به مفهوم دین سبب شده تا تعریف واحد جامعی از دین که همهٔ ادیان را شامل گردد، نتوان ارائه کرد. برای نمونه به چند مورد از تعاریف دین اشاره خواهیم کرد:

هربرت اسپنسر: دین، تصدیق این مطلب است که تمام اشیاء، تجلیات قادری هستند که فراتر از شناخت ما است.

جیمز مارتینو: دین، اعتقاد به خدایی سرمد است؛ یعنی اعتقاد به این که حکمت و ارادهٔ الهی بر جهان حکم می‌راند که با بشر دارای مناسبات اخلاقی است.

1- سوره الرحمن (55) آیه 4.

2- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین ج 19، ص 95 و 96.

اف. اچ. برادلی: دین، کوششی برای نشان دادن واقعیت کامل خیر از طریق جنبه‌های وجودی انسان است.

ماتیو آرنولد: دین، اخلاقیاتی است که به کمک احساسات، تعالی یافته، برانگیخته و فروزان شده است.

مک تاگارات: دین، شور و احساسی است که بر ایمان به سازواری میان ما و جهان در کل تکیه دارد.

سی. پی تایل: دین، حالت یا قالب خالص یا حرمت‌آمیز روح است که آن را پرهیزگاری می‌نامیم.

ویلیام جیمز: احساسات، اعمال و تجربیات افراد هنگام تنهایی آن‌گاه که خود را هر آنچه که الهی می‌نامند.^۱

اس. رایناخ: مجموعه‌ای از اوامر و نواهی که مانع عملکرد آزاد استعدادها می‌شود.
پارسونز: مجموعه‌ای از باورها، اعمال، شعایر و نهادهای دین که افراد بشر در جوامع گوناگون بنا کرده‌اند.^۲

دانیل پالس در کتاب «هفت نظریه در باب دین» با بررسی تعاریف مختلفی که از متفکرانی همچون تایلور، فریزر، فروید، دورکهایم، مارکس، الیاده، پریچارد، ایوانز و گیرتز درباره دین مطرح شده است، به این نتیجه می‌رسد که علی‌رغم تفاوت‌هایی که در تعریف دین وجود دارد همه آنها در این تعریف، با هم اشتراک دارند که:

1- آلستون، پیر، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه غلامحسین توکلی، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی، 1376، ص

21 و 20.

2- هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران؛ انتشارات المهدی، چاپ سوم 1381، ص 17.

دین عبارت است از عقیده و رفتاری که به حوزه مافوق طبیعی یا قلمرو موجودات

الهی و روحانی مربوط می شود.¹

با اندکی توجه به تعاریف مذکور درمی یابیم که اشکال عمده همه آنها اینست که بر یک یا چند بعد از ابعاد دین توجه کرده اند؛ برخی بر جنبه احساسات در دین و برخی دیگر بر تجربه دینداران متمرکز شده اند. بعضی از این تعاریف جنبه های عرفانی دین را پررنگ نشان داده اند و بعضی دیگر به اعمال و شعایر دین اشاره کرده اند.

به هر حال از مجموع تعاریف یاد شده در باب دین، این نتیجه حاصل می شود که یک تعریف جامع و کاملی که همه ابعاد دین را شامل شود ارائه نکرده اند.

علامه طباطبائی⁶ که پژوهش ما مبتنی بر آراء این متفکر مسلمان و مفسر بزرگ قرآن کریم است، در میزان چند تعریف از دین ارائه کرده است مثلاً:

دین، عبارت است از سنتی عملی که براساس مسأله جهان بینی و هستی شناسی بنیان

گرفته و این اعتقاد با علم استدلالی و یا تجربی که پیرامون عالم و آدم بحث می کند

تفاوت دارد.²

ایشان در جای دیگری می نویسد:

دین، به معنای سنتی اجتماعی است که انسان در زندگی اجتماعی اش بر طبق آن سیر

می کند و سنتهای اجتماعی، متعلق به عمل است و زیربنای آن اعتقاد به حقیقت هستی

عالم و هستی خود انسان که یکی از اجزای عالم است می باشد.³

1- پالس، دانیل هفت نظریه در باب دین ص 381.

2- طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر میزان، ج 15، ص 7.

3- همان.

تعریف دیگر ایشان دربارهٔ دین این است که:

دین عبارت است از اسلام؛ یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده‌های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن و به عبارتی دیگر، آن دین واحد، عبارت است از تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقاید و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می‌شود.^۱

در تعریف دین باید به نکات زیر توجه کرد:

1. تعریف ماهوی از دین میسر نیست، زیرا تعریف ماهوی شیء، بیان ماهیت و ذاتیات آن است و تعریف دین به ذاتیات؛ یعنی جنس و فصل و اسم و در حد تام و ناقص، ممکن نیست؛ زیرا دین وحدت حقیقی ندارد و هر آنچه که فاقد وحدت حقیقی، است وجود حقیقی ندارد و چیزی که فاقد وجود حقیقی است، ماهیت ندارد و فاقد ماهیت، جنس و فصل ندارد؛ بنابراین تعریف ماهوی دین میسر نیست ولی تعریف مفهومی دین ممکن است.
2. در تعریف دین باید از خلط دین و تدین و دین و ایمان اجتناب کرد. دین را به باور و اعتقاد تعریف کرده اند؛ «دین، اعتقاد به هستی های روحانی است» در حالی که ایمان و تدین با دین فرق دارد؛ زیرا تدین و ایمان وصف انسان است، ولی دین حقیقی، پیام گونه است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار داده است.^۲
3. دین مورد نظر ما دینی است که الهی و آسمانی باشد و عنصر "خدا" باید در آن لحاظ شود. بنابراین ما ادیان بشری را فقط آئینی می دانیم که به لحاظ لفظی با ادیان الهی اشتراک دارند نه بیشتر.

1- همان، ج 3، ص 189.

2- جوادی آملی، عبدالله، دین شناسی، ص 26 و 27.

4. گزاره هایی نظیر «خدا وجود دارد»، «بهشت و جهنم وجود دارند» و «وحي از جانب خداوند است» از آن جهت که صرف گزاره و قضیه اند جزء علوم دینی اند و محکی این گزاره ها؛ یعنی خداوند و بهشت و دوزخ عین دین نیستند، خدا و معاد و ملائکه از سنخ وجودات و حقایق اند و خداوند مبدأ جعل دین و منبع ایجاد احکام اعتقادی، اخلاقی و عملی است. حال آنکه دین، امری علمی و اعتقادی است، برای مثال جمله «فاعلم أنه لا اله الا الله»¹ گزاره ای دینی است که محتوای آن جزء دین است. اعتقاد به اینکه خدا هست و واحد است جزء بخش اعتقادات دین است؛ اما خود خداوند بخشی از دین نیست بلکه مبدأ ایجاد آن است.²

بنابر این با توجه به نکات ذکر شده می توان دین را این گونه تعریف کرد:

دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد.³

2-3- زبان دین

زبان دین شاخه ای از مجموعه مباحث فلسفه دین یا کلام جدید است که به ارزیابی مفاهیم، گزاره ها و آموزه های موجود در متون دینی می پردازد.

کاربرد ترکیبی «زبان دینی» در این معنا مشابه زبان ریاضی، زبان فلسفی و امثال آن است. زبان فلسفی؛ یعنی زبان گفتار یا نوشتاری که در آن از کلمات و اصطلاحات فلسفی

1- سوره محمد (47) آیه 19.

2- جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم؛ انتشارات اسراء، 1386، ص 19.

3 - همان، دین شناسی، ص 27.

بی‌شماری استفاده شده است. به همین صورت زبان ریاضی؛ یعنی زبانی که در آن علایم ریاضی فراوان مشاهده می‌شود.^۱

زبان دین به معنای رایج آن که برای تفکیک چگونگی گفتار میان اقوام و ملل گوناگون به کار می‌رود (مانند: زبان فارسی، عربی، انگلیسی و...) نیست، بلکه زبان در اینجا دارای صبغه فلسفی است و با موضوعات فلسفه زبان پیوند دارد. زبان در این معنا برای امکان تفکیک میان حوزه‌های مختلف بشری مانند دانش تجربی، فلسفی، دینی، هنری و... به کار می‌رود. زبان دینی به این معنا به بیان ماهیت گزاره‌های دینی و صفات آنها می‌پردازد.^۲

بی‌تردید مهمترین و اساسی‌ترین منبع دینی ما مسلمانان قرآن مجید است که بررسی گزاره‌ها و مفاهیم این کتاب الهی تکلیف سایر گزاره‌های دین را مشخص می‌سازد؛ بنابراین از آنجا که گزاره‌های قرآنی، بخشی از گزاره‌های دین است. رویکرد زبان دین بر نوع فهم ما از زبان قرآن تأثیر می‌نهد و از جمله مبانی نظری فهم قرآن تلقی می‌شود. لذا برای فهم و استنباط قرآن لازم است گزاره‌های آن از جهت دلالت بررسی گردد که این جهت؛ یعنی حیث دلالتی آیات قرآن کریم امری است که زبان دین به عهده دارد.

2-4- زبان دین و زبان دینی

برخی میان دو اصطلاح «زبان دین» و «زبان دینی» تمایز قائل شده‌اند؛ مثلاً زبان دین را به این معنا می‌دانند که دین با چه زبانی سخن گفته و چگونه پیام خود را مردم رسانده است.

1- ساجدی، ابولفضل، زبان دین و قرآن، قم؛ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 6 1385 ص 22.

2- همان.

در حالی که منظور از زبان دینی چیزی فراتر از آن است و هر زبانی را که دربارهٔ دین و مفاهیم آن یا تجربه‌های معنوی سخن گوید و نیز سخن گفتن مردم با خدا و کیفیت عبادت و مناجات با خدا را شامل می‌شود.^۱

برخی هم بر این باورند که هرگاه زبان ما به صورت دینی به کار رود، دینی می‌شود به این معنی که دینی بودن، ویژگی نوع خاصی از زبان، در مقابل نوعی دیگر نبوده، بلکه وصف شیوهٔ خاصی از کاربرد زبان است و هر واژه یا جملهٔ رایج در زبان عادی می‌تواند به گونه‌ای در درون زمینهٔ خاصی از باورها و رهیافت‌ها به کار رود که هدف‌های مورد نظر دین را پی بگیرد و باورهای دینی خاصی را بیان کند.^۲

به هر حال به نظر می‌رسد که هر گزاره‌ای که به هر نحو به دین منسوب می‌شود را می‌توان زبان دینی نامید. حتی خود متن دین مانند: متون مقدس بویژه قرآن، ولی زبان دین به بررسی ماهیت گزاره‌ها و مفاهیم موجود در دین و از نوع علوم درجهٔ دو محسوب می‌شوند. بنابراین بهتر است واژهٔ دین در ترکیب زبان دین به جای اینکه به عنوان توصیف‌کنندهٔ نوع ویژه‌ای از زبان لحاظ شود به عنوان قیدی که شیوهٔ خاصی از کاربرد زبان را بیان می‌کند، در نظر گرفته شود.^۳

در جمع بندی تفاوت بین زبان دین و دینی می‌توان این گونه گفت که مقصود از گزاره های دینی می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

الف: مجموعه گزاره های وحیانی که از سوی خدا بر پیامبر نازل شده است؛

1- سعیدی‌روش، محمد باقر، زبان قرآن و مسائل آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1389 ص 19.

2- همان.

3- علی زمانی، عباس، زبان دین، قم؛ انتشارات دانشگاه قم، 1383 ص 12.

ب: مجموعه گزاره هایی که دیگران؛ یعنی افراد مؤمن و غیر مؤمن درباره خداوند و

ارتباط با او و بیان عقاید دینی بکار می برند؛

ج: مجموع هر دو نوع گزاره های پیشین.¹

برخی، گزاره های دسته نخست را زبان دین و گزاره های دسته دوم را گزاره های دینی نامیده اند؛ بنابراین زبان دین در این تفاوت مساوی با زبان وحی یا متون مقدس است. گاهی نیز به مجموع هر دو دسته از گزاره ها زبان دینی می گویند، که در این صورت زبان دینی اعم از زبان دین خواهد بود.

اما واقعیت آن است که عامل اصلی در طرح زبان دین، بررسی مفاهیم و جملات متون دینی بوده است. هر چند به مسامحه این مفهوم، توسعه یافته و برخی کاربردها مانند شرح و تفسیر متون مقدس دینی یا سخنان دین ورزان و هر نوع احوال معنوی را نیز شامل شده است.

1 - ساجدی، ابوالفضل، زبان دین و قرآن، ص 26.

